

منشکره

ویژه ۲

حزب کمونیست کارگری - کمیتسیت

۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹
۲۵ آوریل ۲۰۱۰



ثریا شهابی

جهانی سرشار از ثروت و نعمت، جهانی سرشار از محرومیت و نکبت یک کیفر خواست طبقاتی

اول ماه، روز جهانی کارگر، روز اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر جهانی، روز قدرتمندی طبقه ای است که خالق و آفریننده ثروت و مکننت جهان، و مالک و وارث فقر و محرومیت آن است. اول ماه روز اعلام تعهد و همبستگی طبقاتی - انترناسیونالیستی طبقه ای است که برای نجات راهی جز اتحاد و تشکل و شکستن همه مرزهای غیر طبقاتی، جغرافیایی، صنفی، سنی، قومی، ملی، فرهنگی، مذهبی و جنسی ندارد. این روز، روز نمایش قدرت طبقه ای در جهان است که میتواند با نجات خود جوامع انسانی و همه محرومین را نجات دهد.

جهان هرگز به اندازه امروز حوزه انفجار عظیم حجم و تنوع تولید و سرعت توزیع نبوده است! کار هرگز به اندازه و سرعت امروز خلاق، پرثمر و بار آور نبوده است! جهان در عین حال هرگز

صفحه ۴

اول ماه، روز کارگر در مقابل طبقه سرمایه دار و جنبش های آن

مصاحبه کورش مدرسی با رادیو رهائی به مناسبت اول ماه روز جهانی کارگر



جزئی از جنبش سرنگونی است. موضع بورژوازی شکم سیری که "متوجه نیست" یا نمیتواند بفهمد که مبارزه برای اضافه دستمزد و بقیه مبارزات طبقه کارگر برای بهبود زندگی وضعیت این طبقه، برای مبارزه با گرسنگی خود و خانواده اش در مقابل کل سرمایه داری است. و درست به همین دلیل طبقه کارگر ناچار است بورژوازی را سرنگون کند. کسی دنیا را اینگونه میبیند مشخصه طبقه کارگر را اساسا در به اصطلاح غیر سیاسی بودن آن اعلام میکند و می خواهد آن را به "صحنه سیاست" بکشاند. به حمایت این یا آن بخش از جنبشی که باید طبقه ای کارگر را

ظاهرا با آن اعلام همبستگی بکند. از نظر ما قضیه کاملا برعکس است. از نظر ما حرکت اول ماه مه و کل تحركات طبقه ای کارگر، برای مبارزه با وضعیت موجود، یعنی تفرقه درون طبقه کارگر در مقابل کل بورژوازی، برای مبارزه برای شکل دادن به یک انقلاب سوسیالیستی است که عرصه سیاسی و اجتماعی خود را دارد. در نتیجه اول ماه مه همبستگی با هیچ کس جز طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی آن نیست. اگر کسی می خواهد انقلاب سوسیالیستی را یک روز جلو بیندازد باید یک قدم این تفرقه را خاتمه بدهد و یک قدم علیه این تفرقه در همه ی سطوح آن میان کارگر کرد و ترک و فارس و عرب و بلوچ و غیره، میان کارگر صنعتی و غیره صنعتی، میان کارگر در رشته های خدمات و تولیدی، میان کارگر زن و مرد و میان کارگر ایرانی و غیر ایرانی و غیره را از میان بردارد. اول ماه مه باید در این متن معنی شود.

طبقه کارگر ایران به شدت متفوق است به شدت تکه تکه است. بخصوص پرتاریای صنعتی بزرگ ایران به درجه ی زیادی از بقیه بخشهای طبقه فاصله دارد.

بر این اساس ما به دو نتیجه گیری متفاوت در مقابل هم میرسیم. اولی اعلام میکند که طبقه کارگر به اندازه کافی سیاسی نیست و در جنبش یا انقلاب جاری یا جنبش سرنگونی درگیر نیست. حتی وقتی میخواهد اظهار لطفی به کارگر بکند توضیح میدهد که مبارزه برای دستمزد هم

آنوقت باید بر تفرقه به عنوان بارزترین مشخصه طبقه کارگر انگشت گذاشت. اینجا نقطه انفصال جنبش های واقعی طبقه کارگر از جنبش های طبقه بورژوا جدا میشود. بورژوازی هم در بسیاری از جا ها اول ماه را مهم میداند و میخواهد کارگر را به میدان بکشد البته زیر پرچم جنبش های بورژوازی و به عنوان بخشی از مردم، خلق، توده یا انسانیت. این تاکتیک به قدمت خود جامعه سرمایه داری است.

جنبشهای مختلف ایران امروز هم برای اول ماه مه نقشهای مختلفی قائل اند. بخش عمده اپوزیسیون، از راست تا سبز و تا چپ های پسته ای و سبز، همه می خواهند اول ماه مه طبقه ای کارگر ابراز قدرتی بکند، اما این ابراز قدرت باید در چارچوبی که بورژوازی تعیین کرده و به آن نام تغییر رژیم، انقلاب سبز، سرنگونی بطور کلی، جنبش خیابان، جنبش مردم و غیره داده است انجام گیرد. به عنوان یک جناح، یک شاخه این جنبش ها. حتی موسوی هم همین را میخواهد.

اگر سرنگونی رژیم بخشی از پروسه اتحاد و قدرت گیری سیاسی طبقه کارگر نباشد و به اصطلاح در چهار چوب منفعت طبقه کارگر معنی پیدا نکند، سرنگونی بورژوازی توسط بورژوازی است. خاصیت خاصی برای طبقه ای کارگر ندارد و می تواند به شرایط بسیار نامناسب تری برای طبقه کارگر تبدیل شود.

اینکه اول ماه مه و کل تحركات درون طبقه کارگر بخشی از جنبش سرنگونی، یا انقلاب جاری، یا جنبش سبز و یا اینکه انقلاب توده ای است، و یا اول ماه مه متعلق به جنبش مستقل طبقه کارگر برای سوسیالیسم و در نقد سرمایه داری و همه این جنبش ها سبز و توده ای و انقلابی بطور کلی قرار دارد، ما را به دو نقطه عزیمت کاملا متفاوت می رساند.

بر این اساس ما به دو نتیجه گیری متفاوت در مقابل هم میرسیم. اولی اعلام میکند که طبقه کارگر به اندازه کافی سیاسی نیست و در جنبش یا انقلاب جاری یا جنبش سرنگونی درگیر نیست. حتی وقتی میخواهد اظهار لطفی به کارگر بکند توضیح میدهد که مبارزه برای دستمزد هم

رادیو رهائی : ما در استانه ی روز جهانی کارگر، اول ماه مه هستیم و به استقبال این روز میرویم؛ از نظر شما وضعیت طبقه کارگر ایران در استانه این روز در حال حاضر چگونه است و در چه وضعیتی قرار دارد ؟

کورش مدرسی : وضعیت طبقه کارگر جنبه های مختلفی دارد. اگر بخواهیم امروز و به مناسبت اول ماه مه به وضعیت طبقه کارگر اشاره کنیم باید اول نگاه کنیم که اهمیت اول ماه مه در چیست. با داشتن این مبنا میتوانیم تعریف درستی از برجسته ترین مشخصه طبقه کارگر امروز ایران، به مناسبت اول ماه مه، را به دست بدهیم.

اگر شما امروز نشریات، سلیت ها و رادیو و تلویزیون های مختلف را تعقیب بکنید هر کدام از جهتی اول ماه مه را مهم میدانند. کل بورژوازی بسیج شده است تا طبقه کارگر را به عنوان پشت جبهه خود به میدان بکشد.

از نظر ما کمونیست ها جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری است که بر اساس انقیاد اقتصادی و لذا سیاسی طبقه کارگر توسط کل طبقه بورژوا استوار است. از نظر ما تنها انقلابی که میتواند طبقه کارگر و جامعه ایران را از ستم و ظلم و استثمار نجات بدهد یک انقلاب سوسیالیستی است. این انقلاب توسط طبقه کارگر قابل انجام است. اما این انقلاب انجام نمیشود زیرا طبقه کارگر هنوز قدرت سازمانی و سیاسی انجام آن را فراهم نکرده است. سرمایه داری در ایران به این دلیل روی پای خودش ایستاده است و به زندگی ادامه میدهد که طبقه کارگر متفوق است. تفرقه درون طبقه کارگر مبنای حاکمیت سرمایه داری و مادر همه دردهای طبقه کارگر است. ادامه نظام سرمایه داری تنها به دلیل وجود تفرقه در میان طبقه کارگر ممکن شده است. کلیه اشکال ستم و یا اشکال روینائی که درون جامعه است، پدیده هایی مانند اختناق، سرکوب و زندان و دامن زدن به هویت و تفرقه جنسی، قومی، ملی، رسته ای و صنعتی، دامن زدن به شکاف میان کارگر شاغل و بیکار و غیره فلسفه اش را تضمین این تفرقه میگیرد. درجه قدرت هر سنگر طبقه کارگر در مقابل بورژوازی را درجه فائق آمدن این طبقه بر تفرقه تعیین میکند.

اگر اول ماه روز تقویت خودآگاهی طبقه کارگر و بالا بردن اتحاد درونی آن است

سینار

جنبش کارگری و معضلات پیشروی آن

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اول مه، روز کارگر در مقابل

و غیره.

جدالی که امروز بر سر جایگاه اول مه در گرفته است خود گویای این وضع است. برای بسیاری اول مه و طبقه کارگر بخشی از جنبش جاری، جنبش توده ای بورژوازی است برای تغییر در جمهوری اسلامی. در حالی که، همانطور که اشاره کردم اول ماه مه برای طبقه کارگر به معنی تلاش برای متحد کردن بیشتر صفوف خود طبقه ای کارگر، یعنی خود آن آدمهای زنده ای که هر روز سر کار میروند و شب می آیند و استراحت میکنند و نیروی کارشان را باز تولید میکنند و فردا دوباره سر کار برمیگردند است. می خواهم بگویم بخش وسیعی از این چیزی که به اسم جنبش کمونیستی یا سوسیالیستی شناخته می شود بخشی از کمونیسم بورژوازی ایران است که در چهارچوب داده های جامعه بورژوازی عمل میکند. خرافاتی که بورژوازی تولید میکند را به درون صفوف طبقه ای کارگر و جامعه حمل میکنند، البته به نام خود طبقه کارگر و به نام انسانیت بی طبقه و یا توده و خلق و مردم. این چیزی که به اسم جنبش کمونیستی هست، بخش اعظم آن، کمکی به مبارزه با این تفرقه و کمکی برای متحد کردن صف طبقه ای کارگر، علیرغم نیت شان، نمیکند.

رادیو رهانی : به هرحال این نکته یک نکته بسیار مهمی است ولی اگر ویژه گی هائی در هر سال در هر وضعیت وجود دارد در سال گذشته در ادامه سال قبل یک بحران اقتصادی جهانی که بحران سرمایه داری است به طبع شما هم اشاره کردید که جامعه ایران یک جامعه سرمایه داری است و سرمایه داری از قبل استثمار طبقه ای کارگر دارد کسب سود می کند. این وضعیت بحران اقتصادی چه تاثیری به ویژه در دو سال گذشته بر وضعیت کارگر ایران داشته و شرایط آن را در ایران به چه وضعیتی درآورده است ؟

کوروش مدرسی : بحران اقتصادی سرمایه داری همیشه همراه با بیکاری با گرانی و همراه با تعرض بیشتر به معیشت طبقه کارگر و تعرض بیشتر به شرایط کار و زیست آن است. این تعرض در غیاب وجود یک صف متحد طبقه کارگر به تعمیق شکاف و تفرقه در درون طبقه کارگر تبدیل می شود. بخش زیادی از طبقه کارگر از ترس بیکاری دست اش را به کلاشه می گیرد و محافظه کار می شود. آدم وقتی که فکر کند هر لحظه در خطر بیکاری است هر آن خانواده اش در خطر گرسنگی، محتاط تر می شود نه جسور تر و متحد تر. در نتیجه به هر جای

دنیا، منجمله ایران، که نگاه کنید بحران اقتصادی راه حل هائی را جلوی بورژوازی می اندازد که متکی به تشدید استثمار و گسترش فقر و بیکاری و ناامنی در زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر است. در غیاب وجود جریانی که بتواند یا توانسته باشد صف طبقه ای کارگر را متحد تر در مقابل کل بورژوازی قرار دهد، اختلافات درون طبقه ای کارگر و سکوت بخش هائی به ضرر بخشهای دیگری می شود و حتی استیصال را دامن میزند.

وقتی حرکت هائی، که بخصوص امسال، در طبقه کارگر ایران به همت فعالین و رهبران طبقه کارگر شکل می گیرد یا شکل گرفته است، تلاشی است برای شکل دادن به یک صف متحد تر. تلاشی است تا اول ماه مه و تدارک آن تبدیل به پرسه یا قدم هائی شود که طی آن طبقه کارگر متحد تر شود و خود و کل سرمایه داری را بهتر بشناسد و منفعت مشترک اش را در مقابل کل سرمایه داری بهتر درک کند. باید قدر این تلاشها را دانست و تا جائی که در حد امکان است در آنها درگیر شد و از آنها حمایت کرد. همه احزاب سیاسی طبقه کارگر هم باید بخشی از این تلاش باشند. ما هم تلاش میکنیم بخشی از این اقدامات باشیم و گوشه ای از کار را بگیریم.

امروز، در متن این بحران اقتصادی، بعد از اول ماه مه باید طبقه کارگر ایران با روابط جا افتاده تر، روابط محکم تر بین رهبران و فعالین اش، با خودآگاهی بیشتر نسبت به تفاوت اش با همه بخشهای بورژوازی و تاکید میکنم همه بخش هایش، از خورده بورژوازی به اصطلاح انقلابی تا بورژوازی بزرگ و جنبش های عموم خلقی بیرون بیاید. طبقه کارگری که تفاوت طبقاتی عمیق خود با بقیه جامعه را بداند و صف خودش را متحد تر کند. در این صورت میتواند در مقابل این بحران سنگر ببندد. این سنگر همان اندازه قوی است که آگاهی و تشکل خود طبقه کارگر. اول ماه مه امسال هم در متن همین بحران به این اعتبار اهمیت دارد. بحرانی که در اساس همه بخشهای بورژوازی در راه حل بورژوازی برای آن شریک هستند. همه می خواهند دستمزد ها پایین نگاه داشته بشود، سوبسید ها زده شوند، خصوصی سازی ها تعمیم پیدا کند و منفعت بورژوازی ایران در مقابل بقیه ی منطقه برجسته بشود. بورژوازی کرد می خواهد خود سهم بیشتری را ببرد، بورژوازی ترک می خواهند سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد و غیره. می خواهم بگویم در متن بحران دعوا داغتر می

شود و به طور خود به خودی تفرقه درون طبقه کارگر شدید تر میشود در نتیجه نیازمند تلاش همه جانبه تری برای متحد کردن صف طبقه ای کارگر هست.

رادیو رهانی : شما اشاره به یک نکته، اقدام برای برگزاری مراسمهای اول ماه مه امسال در ایران، ما یک قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر روی سایتهای خبری پخش شده است که از جمله تحت امضای کمیته ی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر که طیف وسیعی یک لیست از چنین سندیکاها و اتحادیه ها و کانون های مختلف است. این می تواند یک نقطه امیدی باشد که تشکل هائی با یک قطعنامه مشترک و با خواستههای رادیکال خواهان برگزاری این روز شده اند. آیا شما فکر میکنید ادامه این وضعیت نه فقط در روز جهانی کارگر بلکه در ادامه آن می تواند محملی برای ادامه این همکاری ها و به هم نزدیک کردن تشکلهای و واحدهای بخشهای مختلف کارگری در ایران چه بخش صنعتی بزرگ آن و چه بخش های دیگر آن باشد؟

کوروش مدرسی : از نظر ما هر کس، هر جریان، هر سازمان، و هر حرکتی که حتی دست دو کارگر را، نه به عنوان کارگر این یا آن رشته یا ترک و کرد و فارس بلکه به عنوان کارگر، در دست هم می گذارد به مبارزه با این تفرقه خدمت میکند. هر حزب واقعا کمونیستی باید از آن حمایت کند و به استقبال آن برود و به فعالین آن دست مریزاد بگوید. این حرکت ها می توانند به تعمیق خود آگاهی طبقاتی و اتحاد درونی طبقه کارگر کمک کنند.

اما در لیست مطالبات، من فکر میکنم این جدال، جدال بر سر اینکه خواستههای هرچه بیشتر یا کمتری را ردیف کنیم نیست. به این دلیل که اولاً این تشکل ها، تشکل های علنی هستند و در چهارچوب تناسب قوای معینی در ایران مبارزه میکنند. در نتیجه نمی توانند هر خواستی را به طور علنی در این لیست بگجانند. و یا هر خواستی را که بگجانند کس دیگری، حتی به درست، خواست تند تر یا کند تری را پیش پا بگذارد. ما فعلا فاقد مجامع عمومی کارگری هستیم که تکلیف چنین جدالی را تعیین کنند. در نتیجه به نظر من اهمیت این تلاش صرفاً در تعداد خواستهها و مطالبات آن نیست. این مطالبات می تواند زیانتر یا کمتر باشد. اهمیت آن در جنبش، فلسفه ای و بینشی است که پشت آن قرار دارد. به نظر من این جنبش قابل ستایش و

صفحه ۳

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

اول مه، روز کارگر در مقابل

قابل حمایت است. این یک نقطه قوت است. چه این حرکت، و چه حرکت های دیگری را از این نوع دامن زده میشود. این فلسفه جنبشی و نقدی کم و کاست به جامعه و روابط سرمایه داری است که باید مورد حمایت قرار گیرد. در غیر این صورت جدال حول تعداد مطالبات میتواند در شرایط کنونی بجای اتحاد تفرقه بوجود آورد. هر تعداد کارگری میتوانند لیستی از مطالبات را پیش بگذارند. این مطالبات البته مهم هستند، اما آنچه وحدت بخش است نفس شناختن سرمایه دار و کارگر و شناختن سرمایه داری و سوسیالیسم و منفعت متضاد سرمایه دار و کارگر است. یک نقد خاص از سرمایه داری، یک خودآگاهی خاص نسبت به وجود طبقه کارگر و یک نقد عمیق مارکسیستی از جامعه سرمایه داری سیمان محکم تری برای اتحاد درونی طبقه کارگر است.

در رابطه با یک اطلاعاتی مشخص که شما به آن اشاره کردید، ما بعنوان یک حزب سیاسی که از جانب جمهوری اسلامی "فوق خطرناک" اعلام شده است، در اظهار نظر نسبت به هر اطلاعاتی و یا نوشته تشکل ها و فعالین علنی طبقه کارگر محضورات زیادی داریم. نمیتوانیم به نام خودمان، به چنین اطلاعاتی، اعلامیه و یا نوشته هائی خیلی سر راست و باز برخورد کنیم. به دو دلیل. اولاً نداعی کردن افراد و تشکل های علنی با حزب ما دست و بال شان را می بندد. ثانیاً اگر شما را وارد یک

بحث انتقادی از این یا آن نوشته آدم و یا تشکل علنی شوید، جدالی منصفانه و مفید نیست. با تشکل یا کسی وارد بحث می شوید که به دلایل امنیتی و هویت علنی نمی تواند مثل من و شما، که در امنیت به سر میبریم، به نام خود و با هویت علنی خود، وارد جدال شود، از چیزی که نوشته بی ملاحظه دفاع کند و چیزی که علیه او نوشته اند را بی ملاحظه نقد کند. در نتیجه برای من این سکوی مناسبی به وارد شدن در دقایق این نوشته ها نیست. تنها باید بگویم کل حرکت، حرکت مثبتی است و پیشروی است.

سیاست ما این است که اول ماه مه روز آمدن به خیابان به طرفداری جنبش های بورژوائی و "غیر طبقه" نیست. بلکه محمل آن است که میان طبقه کارگر درجه خود آگاهی و اتحاد را بالا ببرد، تفرقه درون طبقه کارگر را کاهش دهد، طبقه کارگر را نسبت به موجودیت اجتماعی خود و یکسان بودن کل منفعت طبقه کارگر آگاه تر کند و ضروری بودن و لزوم یک انقلاب سوسیالیستی

برای سرنگون کردن طبقه سرمایه دار و به قدرت رساندن طبقه کارگر را برجسته تر کند. انقلابی که متضمن آزادی و برابری واقعی برای همه انسانهای جامعه است. این جنبش و این آرمان به اعتبار خود مهم است و نه به اعتبار این یا آن جنبش دیگر و یا خیابان و کوچه. این جنبش به هیچ چیز دیگری مشروط نیست و نباید مکمل تعریف هیچ جنبش دیگری بشود.

به نظر من مصافی که کمیونسم ایران و طبقه کارگر با آن رویه رو است این است که جنبش طبقه کارگر و مبارزه طبقه کارگر و آگاهی طبقه کارگر و اتحاد درونی صف طبقه کارگر را به اعتبار خود، نه به اعتبار هیچ چیز دیگری، تعریف کند. اگر جنبشهای دیگری وجود دارند که برای طبقه کارگر دست تکان میدهند آن جنبش ها را باید به اعتبار رابطه شان با مطالبات و منفعت طبقه کارگر، با نزدیک کردن انقلاب سوسیالیستی و سرنگونی سرمایه داری معنی کنند.

ما خواهان شکل دادن به کمیته های مختلف برگزاری اول ماه مه در هر ابعادی هستیم. جمع کردن از یک نفر تا صد ها هزار برای ما غنیمت است. اما در چارچوب این هدف. هدف باید اجتماع طبقه کارگر و جمع شدن شان دور هم، جمع شدن خانواده های کارگری، به رسمیت شناختن اینکه خانواده کارگری جزئی از طبقه کارگر است، متحد کردن و ایجاد همدلی، هم جیتی، احساس رفاقت، اتحاد طبقه‌ای و

آگاهی طبقه‌ای درون صف طبقه ی کارگر است.

به هر درجه این هدف پیش برود محیط برای ما و همه فعالین کمیونست طبقه کارگر برای شکل دادن به اتحاد عمیق تر و محکم تر، به وجود آوردن شبکه ارتباطی وسیع تری بین فعالین و رهبران و آژیتاتورهای کمیونست و سوسیالیست طبقه کارگر بوجود می آید. حرکتی هم که این تشکل ها کرده اند در این متن میگذرد و در این متن قابل تقدیر است. فکر میکنم می تواند به بالا بردن اتحاد درونی طبقه کارگر کمک کند.

رادیو رهائی : شما به عنوان آخرین پیام روز جهانی کارگر لطف کنید برای شنوندگان نکته ای را که فکر میکنید به عنوان پیام یا ختم کلام دارید بفرمائید.

کوروش مدرسی : خیلی متشکرم، من نکته ی زیاد تری را از آنچه که گفتیم ندارم. اول ماه مه روز هیچ کس جز طبقه کارگر نیست. نه روز جنبش سبز، نه روز جنبش توده ای، نه روز جنبش خیابان، نه روز جنبش سرنگونی و نه هیچ جنبش دیگری نیست. روز بالا بردن آگاهی طبقه کارگر برای انقلاب سوسیالیستی است. روز طبقه کارگر است، به نظر من نباید اجازه داد که بورژوازی و کل پوپولیسم منحط چپ بتواند اول ماه مه را به گروگان بگیرد و به پشت جبهه خودش تبدیل کند. نباید اجازه داد طبقه کارگر به سربازان پیاده نظام جنبشهای دیگر تبدیل شود. روز

اول ماه مه روز و کل تحرکاتی که حول آن میشود باید منحصر و فقط راجع به متحد کردن و متشکل کردن و بالا بردن آگاهی درونی طبقه کارگر ایران به عنوان یک طبقه ی واحد، و به عنوان بخشی از ارتش جهانی طبقه کارگر است. روزی است که منفعت یکسان طبقه کارگر ایران با طبقه کارگر در چین، اسرائیل، روسیه، آمریکا، هند، عراق و هر جای دیگر، علیه سرمایه داری برجسته میشود. در جدالهای دائمی و ناگزیر بخش های مختلف بورژوازی، همانطور که مارکس میگوید، بخش های مختلف بورژوازی تلاش میکنند تا طبقه کارگر، یا بخش های مختلف آن، را به حمایت از خود بکشانند. بورژوازی خود و جنبش خود را نماینده همه اعلام میکند. امسال بیشتر از همیشه فعالین کمیونست و آژیتاتورهای طبقه کارگر باید علیه این خرافه مبارزه کنند. تا طبقه کارگر به عنوان یک طبقه برای خود، برای انقلاب خود و برای آرمان خود و برای نجات بشریت دور هم جمع تر و متحد تر و یکپارچه تر بکند. طبقه کارگر تنها میتواند خود را در مقابل بورژوازی و علیه خرافات مافوق طبقه‌ای ای مانند مردم، خلق، توده انسان و غیره بشناسد.

توضیح: این متن به زحمت رفیق آسو فتوحی سرا پیاده شده و توسط کوروش مدرسی ادیت شده است. متن شفاهی این مصاحبه از طریق سایت های حزب قابل دسترس است.

سمینار

جنبش کارگری و معضلات پیشروی آن

سال گذشته طبقه کارگر ایران یکی از سیاهترین دوران خود را گذاراند. زندان و شکنجه و دستگیری فعالین کارگری، اخراج و بیکارسازی، عدم پرداخت مزد روزانه کارگران، گرانی و تورم، نداشتن حق تشکل و تجمع، همراه با پراکندگی و انشقاق درونی، طبقه کارگر ایران را در شرایط غیر قابل تحملی قرار داده است.

اول مه فرصتی است تا به بررسی مسائل و معضلات جنبش کارگری در ایران و موانع پیشروی آن در شکل دادن به صف مستقل طبقاتی با پرچم روشن کارگری در جدال طبقاتی اش با بورژوازی پرداخت.

سخنرانان:

- عباس فرد**
- اسد گلچینی**
- ایوب رحمانی**

لندن: دانشگاه لندن ULU جمعه ۷ مه ساعت ۶ بعدازظهر تا ۹

University of London Union, Malet Street , WC1E 7HY

کمیته انگلیس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

کارگران جهان متحد شوید!

جهانی سرشار از ثروت و ...

به اندازه امروز محل انباشت تبعیض و نابرابری و بهره کشی انسان از انسان، و افسارگسیختگی حکومت‌های بورژوازی بوده است. تنها یک نگاه ساده به اطراف و نظری به جوامع

موجود، این ادعا را اثبات میکند.

مراکز آمار جهانی اعلام کرده اند که تنها طی هشت سال (از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸)، حجم ثروت تولیدی جهان حدود دو برابر، و با مقیاس پول از ۳۲ به حدود ۶۱ تریلیون دلار رسیده است. در حالی که نیمی از مردم جهان، بیش از سه میلیارد نفر، با درآمدی کمتر از روزی ۲/۵ دلار در روز زندگی میکنند و روزانه ۲۴ هزار کودک بر اثر فقر و گرسنگی میمیرد. جهان با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد نفر بیسواد که حتی قادر به نوشتن نام خود نیستند وارد قرن ۲۱ شده است و شمار کودکان محروم از تحصیلات ابتدایی ۷۲ میلیون کودک است. در حالی که دستاوردهای عظیم درمانی متوسط سن را هر روز طولانی تر میکند، ثروتمندان مسن تر و طونی تر زندگی میکنند و فقرا جوان تر میمیرند. سالانه یک میلیون نفر بر اثر ابتلا به مالاریا، این بیماری "ریشه کن شده"، کشته میشوند. و بالاخره محاسبه میکنند که در اغلب کشورهای صنعتی و از جمله بریتانیا شکاف فقر و ثروت از ۴۰ سال پیش عمیق تر شده است.

امروز نظام جهانی سرمایه داری، درست در بالاترین سطح تولید نعمت و ثروت، در اوج نیازمیلاریاد ها بشر محروم کره خاکی به رفاه محصول کار، باز دچار بحران اقتصادی شده است. بحران اضافه تولید! بحران پرثمری و پر محصولی کار کارگر! "اضافه تولیدی" که باید از دسترس طبقه کارگر و میلیارها مردم نیازمند جهان، دور نگاه داشته شود، تخریب و نابود شود، مراکز تولید تعطیل و میلیونها کارگر در سراسر جهان بیکار شوند، به صف میلیاردی محرومین و گرسنگان و بیسوان افزوده شود، تا سودآوری سرمایه همچنان در بالاترین نرخ آن تامین و تضمین شود. نظم گنبدیه ای که تنها با جنگ و تخریب و جلوگیری از دسترسی اکثریت مردم به سعادت دوام میآورد، امروز بار دیگر به قیمت قربانی کردن تعداد بیشتری از بردگان مدرنش، چهره کریه خود را نمایش میدهد.

جهان همچنان بر محور تقابل دو اردوی کار و سرمایه، اردوی کار و آفرینندگی ثروت و رفاه، و اردوی

سرمایه و اقلیت انگلی که با غصب مالکیت ابزار تولید و استثمار محصول کار کارگر ارتزاق میکند، میچرخد. جهان همچنان نظام بردگی مزدی است که در هر لحظه حیثت تناقض خود با زندگی و سعادت بشر را به نمایش میگذارد.

در سراسر جهان، از کشورهای پیشرفته غربی و مهد دموکراسی تا جوامع عقب مانده و قومی و باولتهای توتالیتر و نظامی، با هر فرهنگ و سنت و دولت و مجلس و آئین زندگی، میلیاردها زن و مرد و کودک و سالمند، سیاه و سفید و مذهبی و بی مذهب، اکثریتی خالق ثروت و رفاه، هر روز برای فروش نیروی کار خود روانه بازار میشوند. وارد بازار فروش نیروی کار میشوند تا با دریافت بخش ناچیزی از ثمره کارشان، آنقدر که معاش خود و خانواده شان را تامین و برای کار فردا زنده نگاه دارند، چرخ نظامی که با نیازهای اکثریت مردم جهان ناخوانا است، را بچرخانند و در حرکت نگاه دارند.

"استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندهگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر پا باقی نمیماند." ۱ مناسباتی که برای مشروع و منطقی جلوه دادن آن، و برای به رضایت کشیدن بردگان مدرن آن، دولت و مجلس و مرز و ارتش و زندان و بمب و جنگ و مذهب و باورهای خرافی و ملیت و قوم پرستی و نژاد پرستی و مردسالاری و زندانها سازمان داده شده است.

این جامعه جهانی فقر و ثروت، سرشار از رفاه و محرومیت، ساخته دست بشر، بشر کارکن اسیر در مناسباتی است که در آن قدرت خلاقه اش نه در خدمت رفع نیازهایش که علیه او هر روز زنجیرهای بردگی را قطور تر میکند. این بهشت و جهنم روی زمین مخلوق کار و استثمار انسان از انسان است. و بردگان مزدی آن از این مناسبات استثمارگرانه نجات نخواهند

یافت مگر به نیروی متحد و متشکل خود! نه خدا، نه شاه و نه قهرمان، که تنها اتحاد و همبستگی طبقاتی و به میدان آوردن نیرو و قدرتی که در کار خوابیده است، آنها را به فتح و شادی خواهد رساند. وقت آن رسیده است که بردگان مزدی در سراسر جهان در شیور جنگ طبقاتی خود علیه این مناسبات استثمار گرانه بدمند و برای زبرور کردن این جهان وارونه متحد و همبسته به میدان آیند.

"اول مه روز همبستگی بین المللی کارگری، امروز در بسیاری کشورها، و از جمله در ایران، به روز بیان مطالبات اقتصادی و سیاسی در محدوده هر کشور تبدیل شده است. اول ماه مه میتواند و باید خصلت عمیقاً طبقاتی و انترناسیونالیستی خود را بازابد و این ممکن نیست مگر با مبارزه علیه ناسیونالیسمی که کارگر را با هویت ملی و راه حل ملی برای مسائالش به خیابان میآورد." ۲

طبقه کارگر ایران، دفاع از مهمترین دستاوردهای خود

طبقه کارگر ایران در جدال هر روزه اش با حاکمیت، در سال گذشته شرایط سیاسی - اقتصادی پرتحول و دشواری را پشت سر گذاشت. بحران حکومتی در ایران، عروج پوزیسیون و اپوزیسیون سیاسی بورژوا - ناسیونالیستی در درون حاکمیت برای حل مشکلات حکومتی و به سرانجام رساندن جنگ قدرتش، و سیطره پرچم دو جنبش سوپر ارتجاعی و ضدکارگری، اسلام سبز و سیاه، به سراسر جامعه در جریان انتخابات ریاست جمهوری، طبقه کارگر را تنها و در شرایط بسیار دشواری در مقابل دشمنان طبقاتی اش قرار داد.

عروج و نزول جنبش ضدکارگری اسلام سبز، تحرکی که با حمایت و عوامفریبی کثیف و بی دریغ مثنی احزاب و شخصیت های فرصت طلب چپ و راست و در حمایت دست راستی ترین دول و رسانه های غربی، بنام "انقلاب مردم" و منفعت کارگر قلب شد، و همچنین آرایش و بسیج ارتجاع سیاه در مقابل آن در ایران، طبقه کارگر را در مبارزات روزمره اش علیه فقر و برای سازمانی و تشکیل یابی در شرایط دشوار تری قرار داد. ماحصل نزاع دو گرایش ضدکارگری سبز و سیاه در حاکمیت ایران، که موفق شدند جدال خود را به سرتاسر جامعه تسری دهند، برای طبقه کارگر تا امروز تعرض به دستاوردهای مبارزاتی اش بوده است. حاصل این دوره نزاع در صف دشمنان طبقاتی،

اعلام یک جنگ رسمی و تعرض به یکی از مهمترین سنگر های مبارزتی طبقه کارگر، یعنی حمله به دستاوردهای شکل یابی کارگری، بوده است.

طبقه کارگر ایزوله، غیرمتشکل و تنها در خیابان حتی به وسعت میلیونی را میتوان تحمل کرد، میتوان به آن هویت ملی و قومی و مذهبی سبز و سیاه بخشید، و آن را پیاده نظام هر جنبش ارتجاعی و ضد کارگری کرد. اما کارگر متشکل در سازمان خود، سندیکا و شورا و مجمع عمومی و حزب کمونیستی اش، حتی در اندازه کوچک، را نمی توان به سادگی تحمل کرد و شکست داد. این منطق رابطه تمام دول بورژوازی با طبقه کارگر در سراسر جهان، و از جمله در ایران است.

در این دوره در جبهه مقم تعرض بورژوازی و دولت اش در ایران، حمله به هرنوع ایده و تلاش و آرمانخواهی برای سازمانیابی طبقه کارگر در هر شکل و سطحی است. جنایی و پلیسی کردن این وجه مهم از مبارزه طبقه کارگر، تعرض به سندیکا و انجمن و کانون و حزب کارگری، دستگیری و زندان و شکنجه رهبران سندیکاها و کارگری و فعالین و رهبران عملی طبقه کارگر، حمله به کمونیست ها و تحزب کمونیستی طبقه کارگر و از جمله مند گرفتن از پلیس بین الملل برای ضربه زدن به آن، همه و همه یک عرصه مهم جدال طبقاتی طبقه کارگر با بورژوازی و دولت اش در ایران است. دفاع از این دستاوردها، دفاع از تمام سطوح و سازمانی کارگران در تمام سطوح و اشکال، مهمترین امر طبقه کارگر، رهبران عملی، فعالین کارگری، کمونیست ها و احزاب و سازمانهای کارگری است. باید درسهای این دوره را آموخت. "تجربه تحریکات توده وسیع شهری در ایران و تجربه سکون طبقه کارگر در این رویدادها هر دو نشان داد که این واقعیات را با نیروی پراکنده و ضعیف کمونیستها و طبقه کارگر نمیتوان تغییر داد." ۳

کارگران سراسر جهان متحد شوید

نشریه حزب کمونیست کارگری حکماتست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم